

# اتصاف به نشاط و انبساط و احتراز از حزن و جزع در مصائب

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امر الله

اصلى فارسی



لوح رقم (31) امر و خلق - جلد 3

## ۳۱ - اتصاف به نشاط و انبساط و احتراز از حزن و جزع در مصائب

و نیز در کتاب اقدس است قوله الاعلی: افرحوا بفرح اسمی الاعظم الذی به تولهت الافئدة و انجذبت عقول المقربین .

و قوله عزّ و علا: لا تجزعوا فی المصائب و لا تفرحوا ابتغوا امرأ بین الامرین هو التذکر فی تلك الحالة و التنبه علی ما یرد علیکم فی العاقبة کذلک ینبئکم العلیم الخبیر

و در لوح طبّ قوله الاعترّ الاعلی: اجتنب الهمّ و الغمّ بهما یحدث بلاء ادهم .

و در کلمات مکنونه قوله جلّ و علا: یابن الانسان افرح بسرور قلبک لتکون قابلاً للقاء و مرآةً لجمالی . . . یابن الوجود ان یمسک الفقر لا تحزن لان سلطان الغناء ینزل علیک فی هذه الايام و من اذلة لا تخف لان العزة یرصیک فی هذا الزمان .



ORIGINAL

و قوله الاعلی : یا علی علیک سلام الله و عنایتہ ذکر اول آنکه باید در جمیع احوال بافرح و نشاط و انبساط باشی و ظهور این مقام محال بوده و هست مگر بذیل توکل کامل توکل نمائی این است شفای امم و فی الحقیقه دریاق اعظم است از برای انواع و اقسام هموم و غموم و کدورات و توکل حاصل نشود مگر به ایقان مقام ایقان را اثرها است و ثمرها .

و قوله الصدق : و عنایت مقصود عالمیان بشارت ده شاید بفرح ذکر الهی از احزان دنیا و کدورات آن فارغ کردند و بذکر دوست یگاکا قلب را منور دارند .

و قوله عز و جل : نستل الله بان يجعلک آية سروری بین العباد بحيث لا تحزنک شئون الخلق و لا تکدرک اعمال الذین هم کفروا بالله العزیز المحبوب .

و قوله الحق : حقّ منیع شاهد و گواه است اگر فی الجمله تفکر در عنایات الهیه نمایند هرگز محزون نشوند و خود را مهموم نمایند .

و قوله الاعلی : اینکه در مصیبات از قلم اعلی اظهار حزن میشود مقصود از آن اظهار رحمت و شفقت است و الا هر نفسی بحجة الله فائز شد و صعود نمود او بفرح اکبر فائز قسم بسدره منتهی که در کل احیان ناطق و شاهد است اگر از فرح یک نفس مستقیمه مرفوعه اهل ارض آگاه شوند بشرط الله توجه نمایند .

و در لوحی است قوله الاعلی : فی هذه المصيبة ( شهادت سلطان الشهداء و محبوب الشهداء ) التي تردی هیکل العظمة برداء الحزن . . . . . قد نأح فی هذه المصيبة الكبرى قلبی الاعلی . . . . . اگر چه بر هر نفسی که از ریحی محبت الهی آشامیده لازم است که در آن مصیبت کبری و رزیه عظمی با صاحبان مصیبت که ملأ اعلی هستند شریک شود چه که طلعت مظلوم بکمال حزن ظاهر و هویدا است اظهاراً لفضله و وفائه و رحمته و عنایتہ انه هو الفضال القديم ولكن آن جناب و سائر احباب از دوستان الهی باید به کمال تسلیم و رضا و صبر و اضطبار مشاهده شوند . و قوله الاعلی : یا اسمی الحاء طوبی لعین بکت لمصائبک . . . . . طوبی لعین بکت لمصائبک .

و قوله الاعلی : و سلطانک یا محبوب الوجود و مقصود الغیب و الشهود لویکی عیون العالم و تحرق ايجاد الامم لا یلیق لهذه الرزية التي فیها یسمع کل شیئی ضجیح قلبک و صریخ فؤادک .

و قوله الاعلی : یا اهل مدائن الاسماء و طلعات الغرفات فی الجنة العلیا و اصحاب الوفاء فی ملکوت البقاء بدّلوا اثوابکم البیضاء و الحمراء بالسّواد بما اتت المصیبه الكبرى ( شهادت امام حسین ) و الرزية العظمی التي بها نأح الرسول .

و در لوحی است قوله الاعلی : نیکو است حال نفسی که بحق راجع شد و به رفیق اعلی صعود نمود مع حالتی که اهل ملاً اعلی استنشاق محبت محبوب نمایند از برای چنین نفسی نباید محزون بود نشهد آنه ارتقی الی الرفیق الاعلی و فاز بانوار ربه العلی الاعلی باید از برای نفسی که در سجن دنیا مانده اند محزون بود بلکه نوجه و ندبه نمود اگر قدری بطرف فؤاد و حکم بالغه الهیه توجه نمایند بعین یقین مشاهده نمایند که آنچه وارد میشود بر احبای حق آن بهتر است از برای ایشان از آنچه در آسمانها و زمین است که در هر حال به منتهای فضل و کرم با چنین نفسی معامله شده و میشود لعمری لو اخرج الغطاء لیضعون الاجساد و یطیرون الی ذلک المقام المقدس المشرق المنیر ان فی شدتهم رخاء و فی موتهم حیاة طوی للعارفین .

و از حضرت عبدالهاء در خطابی است قوله المبین المتین : حضرات حواریون مسیح روحی له الفداء را بر فراز دار دیدند اگر چنانچه به آه و حنین مشغول میشدند چگونه آفاق را به رائحه محبت الله معطر مینمودند آن بود که متفق و متحد شدند و یوم صعود شمس حقیقت را از افق احدی مشهود دیدند و به خدمت پرداختند و جهان را منور کردند پس معلوم شد که مصائب وارده بر مظاهر مقدسه الهیه نباید سبب تأثیرات شدید گردد تا چه رسد به امثال ما . . . باید احبای الهی به نشر نفحات مشغول باشند نه باساله عبرات و نه مشغولیت به آه و حسرات و نه استغراق در بحر سكرات این است حقیقت حال .

و در سفر نامه امریکا است قوله الجلیل : تو باید همیشه مسرور باشی و با اهل انبساط و سرور محشور و باخلاق رحمانی متخلق زیرا سرور مدخلیت در حفظ صحت دارد و از کدورت تولد امراض میشود آنچه مایه سرور دائمی است روحانیت است و اخلاق رحمانی که حزنی در پی ندارد اما سرور جسمانی در تحت هزار گونه تغییر و تبدیل است .

و قوله المحبوب : همیشه مایه سرور قلوب گردید زیرا بهترین انسان کسی است که قلوب را بدست آرد و خاطری نیازارد و بدترین نفوس نفسی است که قلوب را مکرر نماید و سبب حزن مردمان شود همیشه بکوشید که نفوس را مسرور نمائید و قلوب را شادمان کنید تا بتوانید سبب هدایت خلق گردید و اعلان کلمة الله و نشر نفحات نمائید .

و قوله العزیز : همیشه خوش خبر باشید اخبار خوش را همیشه زود منتشر نمائید و سبب سرور و انتباه قلوب گردید اما اگر به جهت نفسی پیام و خبر بدی داشته باشید در ابلاغ و مذاکره آن عجله نمائید و سبب حزن طرف مقابل نشوید من وقتی خبر بدی را برای شخصی دارم صریحاً به او نمیگویم بلکه نوعی با او صحبت میکنم که چون آن خبر را می شنود صحبت من مایه تسلی او میگردد .

و از حضرت ولی امر الله راجع به آداب عزا در جواب پرسش سوم فرمودند : لباس سیاه در ایام مخصوصه احزان امر اجباری نبوده ولی مستحب است و در این مقام رجال و نساء مساوی اند و راجع به رقص فرمودند هر چند از محرمات محسوب نه ولی مراعات آداب بهائی و اعتدال بر یاران واجب و تقلید عوام بسیار مضر .